



کنعانی، محمد امین؛ حمیدی فر، مهدی و محمدزاده، حمیده (۱۳۹۵).
انتخاب همسر و معیارهای آن: مطالعه‌ای در بین مردان و زنان ازدواج کرده‌ی
شهر رشت، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی ۳ (۸)، ۲۲۹-۲۵۶

انتخاب همسر و معیارهای آن: مطالعه‌ای در بین مردان و زنان

ازدواج کرده‌ی شهر رشت

محمد امین کنعانی^۱، مهدی حمیدی‌فر^۲ و حمیده محمدزاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۰۶

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در معیارهای همسرگزینی بین مردان و زنان ازدواج کرده شهر رشت است. این پژوهش به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخته در بین ۴۰۰ نفر از مردان و زنان ازدواج کرده با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای سیستماتیک انجام گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که مردان به معیارهای جسمانی و زنان به معیارهای اقتصادی-اجتماعی توجه بیشتری دارند و در سایر معیارها از جمله معیارهای عاطفی و شخصیتی تفاوت معنی‌داری مشاهده نگردید. تحلیل عاملی معیارهای همسرگزینی نشان داد که معیارهای به کار گرفته شده در پژوهش حاضر به شش دسته تقسیم می‌شوند که این شش معیار نیز به دو دسته معیارهای درونی و بیرونی قابل تقلیل هستند. این دسته‌بندی‌ها در مورد مردان مطابق با دیدگاه نظری پژوهش است اما برای زنان صدق نمی‌کند. از آنجا که در جامعه ایران هنوز مردان نقش انتخاب‌کننده و زنان نقش انتخاب‌شونده را دارند، تفاوت‌های موجود در انتخاب همسر ممکن است به مشارکت پایین زنان در امر همسرگزینی و وابستگی آنان به انتخاب شدن از طرف مردان ارتباط داشته باشد. بنابراین، مردان و زنان در معیارهای درونی برای همسرگزینی مشابهت دارند، اما در معیارهای بیرونی، بر الگوهای متفاوتی تأکید دارند.

کلید واژه‌ها: معیارهای همسرگزینی، معیارهای درونی، معیارهای بیرونی، تحلیل عاملی، رشت.

^۱- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان، (نویسنده مسؤل)، kanani@guilan.ac.ir

^۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان، mehdihamidifar70@gmail.com

^۳- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان، mohammadzadehhamideh@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسأله

همسرگزینی^۱ فرآیندی است شامل بررسی و سنجش ویژگی‌ها و جایگاه همسر آینده از جنبه‌های گوناگون مانند ویژگی‌های ظاهری، درآمد، جایگاه اجتماعی-اقتصادی، سطح تحصیلات، جایگاه شغلی، جایگاه خانوادگی و ...، به طوری که مجموعه‌ی این ویژگی‌ها، رفتار انتخاب همسر را شکل می‌دهند (چن^۲، ۲۰۰۵). برخی از این ویژگی‌ها از اولویت بالاتری برخوردارند و تأثیر بیشتری در رفتار انتخاب همسر دارند. اولویت‌بندی این ویژگی‌ها تحت‌عنوان «معیارهای همسرگزینی» بر اساس انتظاراتی شکل می‌گیرند که از همسر و یا عروس آینده فرد و یا خانواده وجود دارد.

در گذشته ازدواج‌ها نه تنها بیشتر به صورت دگرانتخابی (ساروخانی، ۱۳۷۵) و مرد محور بوده، بلکه معیارهای انتخاب نیز معیارهای دیگران بوده است. همین که پسری در خانواده به سن بلوغ و ازدواج می‌رسید، والدین او بر اساس برخی معیارهای منبعث از مصالح و منافع خانوادگی، برایش دست به انتخاب همسر می‌زدند و به عبارت دیگر «مردان، زن نمی‌گرفتند، بلکه برای آن‌ها زن می‌گرفتند». در واقع، این خانواده‌ی پسر بوده است که بنا به معیارهای خود، دختری را برای پسر خود «انتخاب می‌کردند» و خانواده‌ی دختر فقط می‌توانستند به «انتخاب شدن» دختر خود بنا به معیارهای مورد نظر خودشان جواب مثبت یا منفی بدهند. امروزه، اگرچه رفتار همسرگزینی کمتر حالت دگرانتخابی دارد و نقش فرد در این فرآیند افزایش یافته، ولی انتخاب کردن مردان و انتخاب شدن زنان هنوز تداوم دارد. بنابراین، انتخاب همسر و معیارهای آن مسئله‌ای جنسیتی است که سهم و کنش طرفین بر اساس آن تعیین می‌شود. احتمالاً، بر اساس این فرآیندهای جداگانه‌ی «انتخاب کردن» و «انتخاب شدن» معیارهای همسرگزینی مردان و زنان نیز متفاوت بوده و هست.

تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که بین زنان و مردان از نظر اولویت‌بندی معیارهای همسرگزینی تفاوت‌ها و شباهت‌هایی وجود دارند. عمده‌ترین تفاوت در اولویت ویژگی‌های جسمانی از نظر مردان (مصلی‌نژاد و کارگر، ۱۳۸۵؛ عباس‌زاده، بهی، دربندی، یوسفی و جمال‌زاده، ۱۳۸۷؛ رجبی، نوبندگانی و خجسته، ۱۳۹۰) و اولویت ویژگی‌های مالی و مادی از نظر زنان (عباس‌زاده و دیگران، ۱۳۸۷؛ رجبی و دیگران، ۱۳۹۰) برای همسر آینده بوده و مهم‌ترین شباهت در میزان اهمیتی بوده است که هم مردان و هم زنان بر روی ویژگی‌های

¹ Mate Selection

² Chen

عاطفی و شخصیتی قائل هستند. در برخی مطالعات انجام شده (کارول^۱، ۲۰۱۱؛ کارول، گاتسچال، جانسون و کروگر^۲، ۲۰۱۲)، این تفاوت‌ها و شباهت‌ها را بر اساس سه دسته از ارزش‌گذاری‌ها به معیارهای درونی^۳ و ذاتی، معیارهای بیرونی^۴ یا عارضی و جذابیت‌های جسمانی دسته‌بندی کرده‌اند.

مسئله‌ای که در اغلب پژوهش‌ها مشاهده می‌گردد این است که از مجموعه گسترده‌ای از معیارها در پژوهش‌های خود استفاده کرده‌اند. به‌عنوان مثال، بسیاری از پژوهش‌ها بر اساس پرسشنامه ۶۰ گویه‌ای طراحی شده به‌وسیله باس^۵ (۱۹۸۹ و ۱۹۹۴)، و در برخی موارد از پرسشنامه ۱۸ گویه‌ای روبن هیل^۶ (۱۹۴۵) استفاده شده است. در تعداد اندکی از تحقیقات تلاش شده است تا این حجم بالای گویه‌های به‌کار رفته برای تشخیص معیارهای همسرگزینی را از طریق روش تحلیل عاملی^۷ و یا روش مؤلفه‌های اصلی در ابعاد کوچک‌تری دسته‌بندی نمایند تا از این طریق ساختار کلی‌تری از معیارها به‌دست آید (باس، ۱۹۸۹). به‌عبارت دیگر، فراوانی و پراکندگی گویه‌های مورد استفاده در پژوهش‌ها ایجاب می‌کند که این گویه‌ها در ابعاد مشخص‌تری دسته‌بندی گردند تا تفاوت‌های زنان و مردان در این دسته‌های خاص مشخص و معین گردند. علاوه بر این در محدود مطالعات انجام شده‌ی داخلی برای دسته‌بندی معیارهای همسرگزینی از روش‌هایی مانند تحلیل عاملی (مهرابی‌زاده هنرمند و داودی، ۱۳۸۵) به‌صورت کلی برای هر دو جنس با هم و بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های جنسیتی استفاده شده است.

نکته دیگر در این پژوهش‌ها این است که بیشتر این تحقیقات در بین دانشجویان و جوانان ازدواج نکرده انجام شد و کمتر به معیارهای همسرگزینی در بین افراد ازدواج کرده توجه شده است. جوانان مجرد اگرچه در معرض و سن ازدواج قرار دارند ولی در معرض ازدواج بودن جوانان و دانشجویان لزوماً به‌معنای شکل‌گیری معیارهای ازدواج در ذهن آنان نیست. حتی به فرض شکل‌گیری این معیارها در زمان پژوهش، از آن‌جا که این معیارها عمدتاً ذهنی می‌باشند احتمال بسیار زیادی وجود دارد که تا زمان تصمیم‌گیری واقعی درباره‌ی ازدواج و عملی کردن آن این ذهنیت و معیارهای ناشی از آن تغییر یابند. به‌همین دلیل ضروری است که در مورد

¹ Carroll

² Carroll, Gottschall, Johnson & Kruger

³ Intrinsic Standards

⁴ Extrinsic Standards

⁵ Buss

⁶ Reuben Hill

⁷ Factor Analysis

معیارهای انتخاب همسر در زمان ازدواج از نظر افراد ازدواج کرده پژوهش‌هایی صورت گیرد تا وضعیت واقعی و رخ داده در ازدواج‌ها و معیارهای مرتبط با آن‌ها به‌صورت عینی‌تری مورد شناخت قرار گیرد. بنابراین، توجه به این تفاوت‌ها در بین مردان و زنان ازدواج کرده می‌تواند زمینه‌ساز شناخت بهتر تفاوت‌های در معیارهای همسرگزینی و برنامه‌ریزی برای انجام ازدواج‌های موفق در بین جوانان باشد.

با توجه به کمبود پژوهش‌های انجام شده در زمینه دست‌بندی کردن معیارهای همسرگزینی به ویژه در بین افراد ازدواج کرده، پژوهش حاضر بر آن است تا آنچه که در بین این دسته از افراد به‌عنوان معیارهای انتخاب همسر در زمان ازدواج برای آن‌ها اهمیت داشته است، مورد توصیف و تبیین قرار گیرد. سؤال اساسی پژوهش آن است که مهم‌ترین معیارهایی که مردان و زنان ازدواج کرده در زمان ازدواج در انتخاب همسر کنونی خود در نظر داشته‌اند کدام معیارها بوده‌اند؟ آیا می‌توان این معیارها را در دسته‌های عمده‌ی خاصی دست‌بندی کرد؟ آیا بین زنان و مردان از نظر معیارهای انتخاب همسر تفاوتی وجود دارد؟ اگر وجود دارد، کدام معیارها برای مردان و کدام‌ها برای زنان از اهمیت بالاتری برخوردار هستند؟

۲- پیشینه تحقیق

پژوهش‌های داخلی در زمینه معیارهای همسرگزینی به عوامل مختلفی در این زمینه اشاره کرده‌اند. نتایج پژوهش مصلی‌نژاد و کارگر (۱۳۸۵)، حاکی از این است که پسران معیارهای زیست‌شناختی (سلامت چشم، وضعیت ظاهری، جذابیت فرد مورد نظر) را با اهمیت تلقی کرده در حالی که دختران معیارهای روان‌شناختی و اجتماعی (برخورد، رفتارهای اجتماعی، قدرت تصمیم‌گیری فرد مقابل، سطح تحصیلات، اشتراک مذهب و فرهنگ) را در انتخاب همسر با اهمیت دانسته‌اند. مهرابی‌زاده هنرمند و داوودی (۱۳۸۵)، ملاک‌های همسرگزینی از نظر دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز را در سه عامل «ویژگی‌های فردی»، «شباهت‌ها» و «وضعیت اقتصادی- اجتماعی» دست‌بندی کرده‌اند. به‌علاوه از نظر ملاک‌های همسرگزینی، سن مناسب ازدواج برای مردان و زنان و تعداد ترجیحی فرزندان بین دوجنس تفاوت معنی‌داری وجود داشت. حسینی، محمدی، یغمایی و علوی مجد (۱۳۸۶)، به این نتیجه رسیدند که وضعیت روانی زوج یا زوجه با ۷۹/۴ درصد در اولویت اول و پس از آن، وضعیت خانوادگی با ۳۴/۶ درصد در الویت دوم قرار دارد. الویت‌های بعدی از دیدگاه زوجین در شرف ازدواج، وضعیت اقتصادی و اجتماعی با ۳۰/۶ درصد، وضعیت ظاهری با ۲۹/۲ درصد و وضعیت فرهنگی

و مذهبی با ۲۷/۵ درصد بوده است. بر اساس پژوهش فرودستان، عربی و نوری (۱۳۸۷)، از نظر جوانان دانشجو، سطح تحصیلات همسر بسیار اهمیت دارد و از جمله معیارهای انتخاب همسر می‌باشد. همچنین در مورد معیار انتخاب سطح تحصیلات همسر بین دختران و پسران دانشجو تفاوت معنی‌داری وجود دارد. دختران بیشترین تمایل را در انتخاب سطح تحصیلات بالاتر همسر و پسران کمترین تمایل را در انتخاب سطح تحصیلات بالاتر همسر، از خود نشان داده‌اند.

نصیرزاده و رسول‌زاده طباطبایی (۱۳۸۸)، به این نتیجه رسیدند که بین دختران و پسران و سنین مختلف دانشجویان از لحاظ ملاک‌های فیزیکی انتخاب همسر، میزان تفاوت سن بین زوجین، جزئیات ظاهری صورت و بدن تفاوت معنی‌دار وجود دارد. حدود ۷۳ درصد پسران به کمتر بودن سن زن اعتقاد داشتند در حالی که ۹۵ درصد دختران ترجیح می‌دادند همسرشان از آن‌ها بزرگ‌تر باشد. همچنین جنس و سن دانشجویان در سلیق آن‌ها برای معیارهای فیزیکی انتخاب همسر نقش مؤثری دارند. یافته‌های پژوهش زارع و اصل روستا (۱۳۸۹)، نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین ارزش‌های اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان در زمینه انتخاب همسر از قبیل سن مناسب برای ازدواج پسر و دختر، ارجحیت زیبایی یا نجابت همسر، ارجحیت تحصیلات بالا یا اصالت خانوادگی همسر، معاشرت قبل از ازدواج دختر و پسر و ازدواج فامیلی وجود دارد. در پژوهش عباس‌زاده و دیگران (۱۳۸۹)، بین اکثر معیارهای انتخاب همسر با جنس دانشجویان ارتباط معنی‌داری وجود دارد و فقط معیار پابندی به اعتقادات دارای ارتباط معنی‌داری با جنس دانشجویان نیست. بیشترین اختلاف در پاسخ‌ها در زیبایی و شغل همسر بوده که به ترتیب برای پسران و دختران از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. یافته‌های رجبی و دیگران (۱۳۹۰)، نشان می‌دهد که بین میانگین ترجیحات همسرگزینی دانشجویان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بدین صورت که بالاترین میانگین‌ها متعلق به عامل ویژگی‌های رفتاری، مذهبی و مهارت‌های اجتماعی و کمترین مربوط به عامل مهارت‌های خانه‌داری می‌باشد، همچنین، بین ترجیحات همسرگزینی دختران (ویژگی‌های رفتاری، وضعیت اجتماعی - اقتصادی و ویژگی‌های مذهبی) و پسران (ویژگی‌های ظاهری و مهارت‌های خانه‌داری) و بین ترجیحات همسرگزینی قومیت‌های بختیاری (مهارت‌های خانه‌داری)، کرد (در ویژگی‌های ظاهری) و عرب زبان (خواستار بچه و مذهبی بودن) تفاوت معنی‌داری دیده شد. یافته‌های پژوهش رشیدی (۱۳۹۱)، نشان می‌دهد که اولویت اول در معیارهای انتخاب همسر هم برای پسران و هم برای دختران، اعتقاد و ایمان است. دومین اولویت در معیار انتخاب

همسر از دیدگاه پسران، سلامت فکر و روان است در حالی که دانشجویان دختر، این معیار را اولویت پنجم خود به حساب آورده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین دانشجویان پسر و دختر در اولویت دادن به معیارهای انتخاب همسر، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. یافته‌های پژوهش جبرئیلی، زاده محمدی و حیدری (۱۳۹۲)، حاکی از این است که بین دختران و پسران در بیشتر ملاک‌های انتخاب همسر تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به‌طور کلی، پسران ملاک‌های مرتبط با زیبایی و دختران، ملاک‌های مرتبط با توانایی مالی مرد و قابل اتکا بودن او را بیشتر ترجیح داده‌اند. یافته‌های پژوهش هاشمی، فولادیان و فاطمی امین (۱۳۹۳)، حاکی از این است که در ایران گروه‌های مختلف برای ازدواج کسانی را انتخاب می‌کنند که از نظر خصوصیات ظاهری، روانی - عاطفی، شخصیتی، طبقاتی و مذهبی شباهت بیشتری با آن‌ها دارند؛ هرچند شدت و ضعف این الگوها در میان زنان و مردان متفاوت است.

با این حال، در بخش خارجی، تحقیقات گسترده‌تری در زمینه معیارهای همسرگزینی انجام شده است. دیوید ام. باس^۱ (۱۹۸۴، ۱۹۸۵، ۱۹۸۷، ۱۹۸۶، ۱۹۸۹، ۱۹۹۴، ۱۹۹۴، ۲۰۰۳) مجموعه تحقیقاتی را در مورد معیارهای همسرگزینی انجام داده است. علاوه بر این پژوهش‌هایی را نیز (۱۹۹۰، ۱۳۹۳، ۱۹۹۸، ۲۰۰۱) با همکاری دیگران به انجام رسانده است. به عنوان مثال در پژوهشی باس و اسمیت^۲ (۱۹۹۳)، در مورد تأثیر فرهنگ در معیارهای انتخاب همسر نشان دادند این معیارها در آمریکا به ترتیب: محبت، بلوغ فکری، اعتماد، خوش‌مشربی، هوش و تندرستی و در ایران: پاکیزگی، خوش‌مشربی، بلوغ فکری، محبت، خانه‌داری و جاه‌طلبی بوده است. کرکخوف و کیس^۳ (۱۹۶۲)، در تحقیق خود بیان می‌کنند که هم مردان و هم زنان به انتخاب همسرانی تمایل دارند که از طبقه‌ی اجتماعی متعادلی برخوردار باشند. شافر و بازینی^۴ (۱۹۹۷)، در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که معیارهای زنان و مردان در بسیاری از جوامع به هم شبیه است و تفاهم میان آن‌ها در مورد خصوصیات ارائه شده بسیار چشمگیر است. هم مردان و هم زنان تلاش می‌کنند تا بهترین‌ها را از نظر جذابیت، اندام، شخصیت و خصوصیات اخلاقی انتخاب کنند.

¹ D. M. Buss

² Buss & Schmitt

³ Kerckhoff & Keith

⁴ Shaffer & Bazzini

سالیوان^۵ (۲۰۰۱)، در مطالعه‌ی خود در خصوص نقش مذهب در کالیفرنیا، به این نتیجه رسید که باورهای مذهبی بر خلاف سایر معیارها، اثر طولانی‌تری در تحکیم زناشویی دارد. کمپل^۶ (۲۰۰۲)، معتقد است، زنان اولویت را به مردانی می‌دهند که به عناصری چون: جذابیت، تسلط، صمیمیت و رفاقت وابسته‌اند. همچنین او نشان داد که زنان به طور فعال دوست دارند مردانی را به همسری خود انتخاب کنند که از نظر آن‌ها، دارای صفات ارثی خوبی باشند؛ در حالی که نخستین معیار مردان برای انتخاب همسر، صورت زیبا و تناسب اندام است. یافته‌های تحقیق تودوسیجویک، لوبنکویک و آرکنیک^۷ (۲۰۰۳)، نشان می‌دهد که خصوصیات همچون: هوش، پختگی، عطوفت، ایمان، صمیمیت و صداقت از نظر زنان و مردان مورد مطالعه، در الویت اول و خصوصیات چون: شجاعت، وقار، آراستگی، استیل خوب بدنی، قدرت و قناعت، در الویت دوم قرار دارند. خصوصیات از قبیل غرور، خودخواهی، تندمزاجی، ترس و سست‌عنصری نیز کمترین اهمیت را داشته‌اند. شوارز و هسه‌براک^۸ (۲۰۱۲)، به بررسی جنسی و سنی در اولویت‌های همسرگزینی پرداخته‌اند. گونایدین، سلوک و هازن^۹ (۲۰۱۳)، پس از بررسی دیدگاه‌های مختلف در مورد معیارهای همسرگزینی به ارائه یک مدل فرایندی همسرگزینی انسان‌ها می‌پردازند.

۳- مبانی نظری

هر فرهنگی تصویری از همسر مطلوب را در اذهان اعضای یک جامعه می‌پروراند. این تصویرسازی برحسب این که در آن فرهنگ چه چیزی مهم است و بسته به این که ازدواج در آن جامعه چه کاردهایی را به انجام می‌رساند متفاوت است. همچنین تعیین این که فرهنگ کدام صفات و ویژگی‌ها را جهت تصویرسازی مطلوب می‌نمایاند نیز به معنا و مفهوم ازدواج در یک جامعه بستگی دارد. با این حال، این تصویرسازی‌ها همیشه ثابت و پابرجا نمی‌مانند و توسط اعضای جدید مورد دستکاری قرار می‌گیرند و معناهای جدیدی خلق می‌شوند. به همین دلیل معیارهای مورد نظر برای انتخاب همسر با توجه به ارزش‌های فرهنگی هر جامعه درباره‌ی ازدواج در طول زمان متفاوت است. ارزش‌های فرهنگی ازدواج که معیارهای همسرگزینی بخشی از

⁵ Sullivan

⁶ Campbell

⁷ Todosijevic, Ljubinković & Arančić

⁸ Schwarz & Hassebrauck

⁹ Günaydin, Selcuk & Hazan

آن را تشکیل می‌دهد، عبارتند از معانی و دریافت‌های ارزشی در قلمرو ازدواج که اعضای جامعه در آن‌ها اشتراک دارند (جبرئیلی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۷۹).

یکی از قدیمی‌ترین معیارها و ارزش‌های مرتبط با ازدواج و همسرگزینی که در اغلب نظریه‌ها مورد توجه قرار گرفته وجود عشق بین دو طرف است. همان‌طور که دو هزار سال قبل لوکان^۱ به آن اشاره کرد و قرن‌ها بعد فرانسویس بیکن^۲ حرف او را تکرار کرد «این جزئی از طبیعت عشق است که تنها معنی آن عبارت است از دل را به دریا زدن و خود را به دست تقدیر سپردن» (باومن^۳، ۱۳۹۲: ۲۷). با این وجود دو نوع برداشت متفاوت درباره عشق شدن برای همسرگزینی و ازدواج وجود دارد: هوس^۴ و صمیمیت^۵.

در برخی موارد عشق را معادل هوس دانسته‌اند و آن را ضامنی برای بقای نسل آدمی تلقی می‌کنند (باومن، ۱۳۹۲: ۲۷). باومن در این زمینه به گفتگوی بین سقراط و یک زن پیش‌گو اشاره می‌کند: «هدف عشق برخلاف آن‌چه می‌پنداری، خود زیبایی نیست»؛ «هدف عشق، تولید مثل و تولید زیبایی است». عشق یعنی میل به «توالد و تناسل»، و بنابراین عاشق «همه‌جا در پی زیبایی می‌گردد تا نطفه‌ی خود را به او بسپارد». اما عده‌ای دیگر عشق را بر اساس صمیمیت بین دو نفر تعریف کرده‌اند. صمیمیت یعنی توانایی همدلی و برقراری رابطه‌ی عمیق با دیگران به‌خصوص جنس مخالف، توانایی ایجاد حس نزدیکی و شناساندن خود به دیگران (کوزه‌گران، ۱۳۸۷: ۱۲-۱۱)؛ نوعی از نزدیکی، دانستن و آگاهی و با فرد دیگری در رابطه بودن (جیمسون، ۱۹۹۸: ۱)؛ دانش فراوان درباره همدیگر، توجه به همدیگر، وابستگی متقابل، اعتماد و تعهد (میلر و پرمان^۶، ۲۰۰۹: ۲)؛ سرمایه‌گذاری عاطفی طرفین در رابطه (استنبرگ^۷، ۱۹۸۶)؛ تجربه‌ی شادکامی از بودن با معشوق، درک متقابل، ارتباط صمیمانه و حمایت عاطفی (گائو^۸، ۲۰۰۱: ۳۳۰)؛ و مراوده‌ی عواطف و اطلاعات شخصی با شخص دیگر که به گرمی و با همفکری به آن پاسخ داده می‌شود (ریس و شاور^۹، ۱۹۸۸؛ گوره، کراس و موریس^۱، ۲۰۰۶: ۸۳).

¹ Lucan

² Francis Bacon

³ Bauman

⁴ Fancy

⁵ Intimacy

⁶ Miller & Perman

⁷ Sternberg

⁸ Gao

⁹ Reis & Shaver

دسته‌بندی‌های گوناگونی درباره معیارهای همسرگزینی با توجه به دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلف انجام گرفته است که در کنار تفاوت‌ها، شباهت‌های زیادی نیز با هم دارند (اسکانزونی^۲ و همکاران، ۱۹۸۹، به نقل از اسپرچر و رگان^۳، ۲۰۰۲). بر اساس دیدگاه‌های شبکه اجتماعی و تبادل اجتماعی معیارهای همسرگزینی را به چهار دسته جنسی^۴ (مانند فعالیت جنسی (هوس))، درونی (مانند خود-افشاسازی^۵ و حمایت عاطفی (صمیمیت))، بیرونی (پول و یا شغل (موقعیت اقتصادی)) و رسمی^۶ (پایگاه قانونی مشترک) دسته‌بندی کرده‌اند. از نظر آن‌ها، شبکه‌های اجتماعی مردم از انواع رابطه‌های نزدیک (درونی) تشکیل شده است که می‌توان آن‌ها را برحسب نوع وابستگی متقابلی که تبادل در رابطه‌ها را مشخص می‌سازند، تعریف کرد. وابستگی‌های متقابل عبارت‌اند از «فعالیت‌های مشترک یا پایگاه‌های مرتبط و تبادلات الگویافته بین دو نفر».

نظریه‌ی تبادل اجتماعی^۷ فرض می‌کند که انسان‌ها در تبادل روابط با یکدیگر در پی دریافت «سود» هستند و مایلند رفتارشان از جمله روابط دوستانه، صمیمی و عاشقانه‌ی آنان به نوعی سود و بازده برابر منجر شود (مهرابی‌زاده هنرمند و داودی، ۱۳۸۵: ۳). به عبارت دیگر، نگاهی اقتصادمآبانه به عشق، صمیمیت و ازدواج داشته و گزینش همسر را ناشی از سودی می‌داند که برای فرد دارد. این سود می‌تواند تأمین نیازهای مالی، احساسی، جنسی و ... را شامل شود و با توجه به هر دوره زمانی و مکانی متفاوت باشد. به طوری که در گذشته، انتخاب همسر از جانب والدین و بنا بر مصلحت خانوادگی با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی فرد انجام می‌گرفت، در حالی که امروزه این انتخاب همسر بیشتر بر اساس تصمیم خود فرد و با توجه به ملاک‌هایی چون پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صورت می‌گیرد.

نظریه تکاملی^۸ بر این باور است که مردان و زنان از زمان‌های قدیم توسط مکانیسم‌های جنسی به خصوصی رشد یافته‌اند، که باعث می‌شود آن‌ها از لحاظ روانشناختی متفاوت باشند، بنابراین از آن‌ها انتظار می‌رود که در رفتار کردن و هنگام تصمیم‌گیری از لحاظ جنسی رفتار

¹ Gore, Cross & Morris

² Scanzoni

³ Sprecher & Regan

⁴ Sexual

⁵ Self-Discloser

⁶ Formal

⁷ Social exchange theory

⁸ Revolutionary Theory

متفاوتی داشته باشند (شومک^۱، ۲۰۰۷: ۳۵). طبق این نظریه، مردان به‌صورت بالقوه توانایی تولید مثل بالایی دارند، اما زنان با توجه به‌طول مدت بارداری و سنین باروری مشخص، توانایی داشتن معدودی فرزند را دارند. از آن‌جایی که ارزیابی و تشخیص نشانه‌های توانایی تولید مثل (مانند: سن و سلامت) به‌طور مستقیم دشوار است، مردان از نشانه‌های جذابیت جسمانی به جای آن استفاده می‌کنند (باس، ۱۹۹۴؛ باس و اسمیت، ۱۹۹۳؛ خالد، ۲۰۰۵: ۱۵۶).

در مقابل، زنان برای فراهم آوردن شرایط برای پرورش فرزندان و داشتن حامی برای ادامه زندگی به‌دنبال مردانی هستند که از لحاظ جسمانی قوی‌تر و دارای منابع کافی پیشبرد زندگی زناشویی باشند. به عبارت دیگر، زنان بیشتر از مردان نشانه‌هایی را مهم می‌دانند که با توانایی کسب منابع در همسر بالقوه مرتبط‌اند، در حالی که مردان به نشانه‌های توانایی تولید مثل در زنان، مانند جذابیت‌های جسمانی اهمیت بیشتری می‌دهند (باس، ۱۹۸۹؛ کرکخوف و کیس، ۱۹۶۲؛ تودوسیجویک و دیگران، ۲۰۰۳؛ خالد، ۲۰۰۵؛ لی و کنریک^۲، ۲۰۰۶). ویژگی‌هایی از سیمای ظاهری که با جوانی مرتبط‌اند، مانند پوست نرم، ریتم ماهیچه‌ای خوب، موهای درخشان و رفتارهای نشان‌دهنده‌ی جوانی، مانند داشتن انرژی عالی و راه رفتن با سرزندگی، احتمالاً قوی‌ترین علایم را برای نشان دادن قابلیت تولیدمثل زنان فراهم می‌کنند (باس، ۱۹۸۹: ۱۲). بنابراین، جذابیت جنسی و استانداردهای زیبایی برای معیارهای مردان و توجه به وضعیت شغلی و منابع مالی برای زنان احتمالاً مطابق با این ویژگی‌ها تحول یافته‌اند.

کارول (۲۰۱۱) و کارول و دیگران (۲۰۱۲)، معیارهای انتخاب همسر را در سه دسته تقسیم‌بندی کرده است. دسته اول، معیارهای مرتبط با ویژگی‌های عاطفی و شخصیتی است که «معیارهای درونی» یا ذاتی را شکل می‌دهد که شامل هوش، اعتماد به نفس، مهربانی و ... می‌شود. دسته دوم، معیارهای مرتبط با ویژگی‌های مالی و پایگاهی است که آن را «معیارهای بیرونی» یا عارضی نام‌گذاری کرده‌اند. ثروت، قدرت، پرستیژ و ... معیارهای این دسته را تشکیل می‌دهد. دسته سوم، معیارهای مرتبط با ویژگی‌های جسمانی است که «جذابیت‌های جسمانی» نامیده‌اند؛ مانند: زیبایی، تیپ مناسب و وضعیت ظاهری و ساختمانی بدن. همچنین، او معتقد است ویژگی‌های دسته اول یعنی ویژگی‌های درونی یا ذاتی برای هم مردان و هم زنان ارزشمند و مهم هستند؛ ویژگی‌های دسته دوم یعنی معیارهای بیرونی یا عارضی عمدتاً به وسیله زنان مرجح دانسته می‌شوند و ویژگی‌های دسته سوم یعنی جذابیت‌های جسمانی،

¹ Shoemaker

² Li & Kenrick

ویژگی‌هایی هستند که به‌وسیله مردان بیشتر ترجیح داده می‌شوند (کارول، ۲۰۱۱: ۱۶۰؛ کارول و دیگران، ۲۰۱۲: ۴۲).

اگرچه محققین و نظریه‌پردازان پیرو دیدگاه تکاملی جذابیت‌های جسمانی را در دسته‌ی جداگانه‌ای قرار داده و معیارهای همسرگزینی را در سه دسته جذابیت‌های جسمانی، ویژگی‌های درونی و ویژگی‌های بیرونی طبقه‌بندی می‌کنند (کارول و دیگران، ۲۰۱۲: ۴۲)؛ با این وجود، برخی از نظریه‌پردازان و محققان جذابیت‌های جسمانی را جزو معیارهای بیرونی قرار داده‌اند و بر این اساس تمامی معیارهای همسرگزینی را در دو دسته ارزش‌های درونی یا ذاتی و ارزش‌های بیرونی یا عارضی دسته‌بندی کرده‌اند (اسپرچر و رگان، ۲۰۰۲: ۱۳). علاوه بر این، وجود ارزش‌های مرد سالارانه/پدرسالارانه نیز در زمینه معیارهای همسرگزینی تأثیرگذارند. در جوامع سنتی، ارزش‌های مردسالار، ارزش‌هایی مشروع و غیرقابل انکار است و هرگونه مقاومت در برابر آن به معنای سرپیچی از هنجارها و عرف اجتماعی قلمداد شده، واکنش شدید اجتماعی و عرفی را برمی‌انگیزاند (یزدخواستی و شیر، ۱۳۸۷: ۵۷) و بر قدرت بیش‌تر مردان تأکید دارد. این مسئله در زمینه همسرگزینی باعث نقش پایین زنان در تصمیمات مهم و انتخاب همسر (سالاری، معین، سهامی و حقیقی، ۱۳۹۲) می‌شود.

با وجود چیرگی ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی مردسالاری/پدرسالاری^۱ بر جامعه ایران، به‌ویژه بر نهاد خانواده، به‌دلیل روبه‌رو شدن جامعه ایران با مدرنیته و تأثیرپذیری ساخت اجتماعی و فرهنگی جامعه از فضای ایجاد شده، دگرگونی‌هایی در سلطه ایدئولوژی پدرسالاری ایجاد شده است (یزدخواستی و شیر، ۱۳۸۷: ۶۲) که مشارکت و حضور بیش‌تر زنان در عرصه‌های اجتماعی و تصمیمات زندگی مانند همسرگزینی یکی از آنهاست. با این حال، در این زمینه هنوز هم قدرت و نفوذ بسیار بالای ارزش‌های مرد سالارانه در شکل‌گیری و تعیین معیارهای همسرگزینی نقش اصلی را ایفا می‌کند. به‌طوری‌که مردان به‌عنوان پیشگام در امر انتخاب همسر الگوهای مشخص‌تری نسبت به زنان دارند.

با توجه به بررسی نظریه‌های مختلف در باب معیارهای همسرگزینی، این پژوهش سعی دارد براساس دیدگاه تکاملی و اندیشه کارول (۲۰۱۱) و کارول و دیگران (۲۰۱۲)، به دسته‌بندی معیارهای همسرگزینی بپردازد. بین مردان و زنان در معیارهای انتخاب همسر همواره شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد. این شباهت‌ها و تفاوت‌ها تحت‌تأثیر خصوصیات فردی و اجتماعی هستند که مردان و زنان با توجه به آن معیارهای همسرگزینی را برمی‌گزینند. مردان بیشتر به

^۱ Patriarchy

دنبال معیارهای جسمانی و زنان به دنبال اجتماعی - اقتصادی هستند. در حالی که ارزش‌های فرهنگی جامعه به ویژگی‌هایی اشاره می‌کند که برای هم مردان و هم زنان حائز اهمیت هستند. معیارهای مربوط به شخصیت، خانواده و مذهب که ناشی از الگوها و ارزش‌های خاص هر جامعه است، اشتراک جنسیتی بیشتری دارد و افراد از آن‌ها در معیارهای همسرگزینی خود بهره می‌برند. به اعتقاد کارول (۲۰۱۱) و کارول و دیگران (۲۰۱۲)، تأکید بر روی معیارهای درونی هم در بین زنان و هم در بین مردان دیده می‌شود، اما در معیارهای بیرونی تفاوت‌های بیشتری قابل مشاهده است. به‌طور خلاصه، دسته‌بندی معیارهای همسرگزینی و بررسی وجوه تمایز و تشابه آن‌ها در بین مردان و زنان هدف اصلی این پژوهش است.

۴- روش تحقیق

این پژوهش براساس رهیافت کمی و روش پیمایش استوار است. با توجه به جمعیت ۸۰۰ هزار نفری شهر رشت (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰) به‌عنوان جامعه آماری و با استفاده از فرمول کوکران
$$\frac{Nt}{Nd} \frac{pq}{t+tpq}$$
 تعداد ۳۸۴ نفر به‌عنوان حجم نمونه تعیین گردید. ولی از آنجایی که در بیشتر تحقیقات پیمایشی تعدادی از پرسشنامه‌ها به‌دلیل گوناگون (بی‌جوابی، الگوی یکنواخت در پاسخ‌دهی، پاسخ‌های نامربوط و مفقود شدن پرسشنامه و ...) قابل استفاده نمی‌باشند، در پژوهش حاضر حجم نمونه ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شده است. روش نمونه‌گیری به‌کار رفته در این پژوهش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای می‌باشد. شهر رشت دارای ۲۷ محله می‌باشد که با توجه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای سیستماتیک و حجم نمونه ۴۰۰ نفری تعداد ۲۰ محله برای جمع‌آوری اطلاعات انتخاب شدند؛ و به هر کدام از این بلوک‌ها تعداد ۲۰ پرسشنامه اختصاص داده شد. پرسشنامه‌ها توسط پرسشگران به‌صورت هر پنج خانه یک مراجعه به‌روش مصاحبه‌ی حضوری با یکی از زوج‌های حاضر در منزل تکمیل شدند. پاسخگویان از نظر سنی ۱۸ تا ۶۵ ساله بودند. ابزار به‌کار رفته برای جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته است. در طراحی درونی پرسشنامه، پس از بررسی تحقیقات پیشین، تعداد ۲۴ معیار به‌عنوان مهم‌ترین معیارهای همسرگزینی در ایران به‌کاربرده شد. پرسشنامه درونی در بین ۳۰ نفر از افراد ازدواج کرده ساکن شهر رشت مورد پیش‌آزمون قرار گرفت. محاسبه آلفای کرونباخ نشان داد که در صورت حذف ۴ مورد از معیارها سطح مورد انتظار آلفا برابر با ۰/۸ حاصل خواهد شد. لذا، در پرسشنامه نهایی این چهار معیار حذف گردیدند و از ۲۰ معیار باقی‌مانده استفاده گردید.

برای بررسی تفاوت‌های میان زنان و مردان در معیارهای انتخاب همسر، یافته‌های تحقیق حاضر در دو بخش تنظیم شده‌است. بخش اول، تلاشی است برای نشان دادن تفاوت‌ها و یا شباهت‌ها بین زنان و مردان از نظر اولویتی که برای معیارها قائل هستند. سؤالی که در این‌جا مطرح می‌گردد این است که آیا تفاوتی بین زنان و مردان از نظر معیارهای مورد نظر آن‌ها در انتخاب همسر وجود دارد یا خیر؟ اگر چنین تفاوتی وجود دارد، مردان به کدام معیارها و زنان به کدام معیارها اولویت بیشتری داده‌اند؟ برای این منظور از تکنیک تحلیل آماری و تی تست استفاده شده است. بخش دوم، تلاشی است برای دسته‌بندی کردن و پیدا کردن مهمترین ابعاد و مقوله‌های کلی‌تر در معیارهای همسرگزینی. برای این منظور از تکنیک تحلیل عاملی به‌طور مجزا برای مردان و زنان استفاده گردید.

نمونه‌ی ۴۰۰ نفری این پژوهش را ۲۲۸ مرد (۵۷ درصد) و ۱۷۲ زن (۴۳ درصد) تشکیل داده‌اند. حداقل سن پاسخگویان در هنگام ازدواج ۱۳ و حداکثر سن آن‌ها در هنگام ازدواج ۵۰ سال می‌باشد. میانگین سن ازدواج نمونه‌ی آماری ۲۴ سال و انحراف معیار نیز ۴/۲۲ سال است. به لحاظ ترکیب تحصیلی ۱۲/۳ درصد زیردیپلم، ۴۷/۸ درصد دیپلم، ۱۳/۳ درصد فوق دیپلم، ۲۳ درصد لیسانس و ۳/۸ درصد فوق لیسانس و بالاتر هستند.

۵- یافته‌های تحقیق:

بخش اول: تفاوت‌ها و شباهت‌ها در معیارهای انتخاب همسر در بین زنان و مردان

میانگین‌های مطلوبیت ویژگی‌های مرتبط با معیارهای همسرگزینی برای مردان و زنان به‌طور جداگانه در جدول شماره ۱ ارائه شده است. همان‌طور که اطلاعات این جدول نشان می‌دهند، در برخی از معیارها اختلاف میانگین قابل ملاحظه‌ای بین مردان و زنان وجود دارد. در معیارهای داشتن شغل، داشتن ثروت، پایبندی به مذهب زنان دارای میانگین بالاتری از مردان هستند، درحالی‌که در معیارهای زیبایی و تیپ مناسب، باهوش بودن، پاکدامنی و ساختمان مناسب بدن میانگین مردان بالاتر از زنان است. در سایر گویه‌ها تفاوت فاحشی بین مردان و زنان وجود ندارد. با این حال، میانگین معیار پایبندی به امور خانه و خانواده در هر دوی آن‌ها یکسان است که نشان از اهمیت این معیار برای هر دو دسته دارد.

بررسی معنی‌دار بودن یا نبودن تفاوت‌ها در بین مردان و زنان بر اساس نتایج حاصل از آزمون تی مستقل نشان می‌دهد که بین مردان و زنان از لحاظ گویه‌های داشتن شغل، زیبایی و تیپ مناسب، داشتن ثروت، پایبندی به مذهب، باهوش بودن، پاکدامنی، ساختمان بدن مناسب

و داشتن اعتماد به نفس تفاوت معنی‌داری وجود دارد. اما در بین گویه‌های تحصیلات، اصالت خانوادگی، عشق و علاقه دو جانبه، بانجابت و باایمان بودن، سالم و شاداب و قوی بودن، اجتماعی و اهل معاشرت بودن، رشد فکری و عاطفی و تشابه علایق و طرز فکر اگر چه بین مردان و زنان تفاوت در میانگین وجود دارد اما این تفاوت معنی‌دار نیست. همچنین در گویه‌های اخلاق و صفات نیکوی اخلاقی، پایبندی به امور خانه و خانواده، درک و تفاهم متقابل و صداقت در گفتار و رفتار بین مردان و زنان تفاوت در حد صفر است و نوعی همسانی بین هر دو جنس در این معیارها وجود دارد.

جدول شماره ۱: آزمون تفاوت معیارهای همسرگزینی بین زنان و مردان

ویژگی‌ها	مردان		زنان		اختلاف میانگین	مقدار T	سطح معنی‌داری
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار			
تحصیلات	۴	۱/۳۳	۴/۲۵	۱/۲۰	-۰/۲۵	-۱/۹۲	۰/۵۵
داشتن شغل (مناسب)	۲/۸۲	۱/۷۲	۵/۰۹	۱/۰۸	-۲/۲۷	-۱۶/۰۴	۰/۰۰
اصالت خانوادگی	۵/۳۵	۱/۰۴	۵/۲۷	۰/۹۲	۰/۰۷۸	۰/۷۷۹	۰/۴۳۶
زیبایی و تیپ مناسب	۴/۴۷	۱/۲۰	۴/۰۶	۱/۲۴	۰/۴۱	۳/۳۶	۰/۰۰۱
صفات نیکوی اخلاقی	۵/۴۹	۰/۹۹	۵/۵۰	۰/۹۴	-۰/۱۰۴	-۰/۱۴۸	۰/۸۸۲
داشتن ثروت	۳/۰۵	۱/۶۳	۳/۸۶	۱/۲۲	-۰/۸۰	-۵/۶۳	۰/۰۰
پایبندی به خانه و خانواده	۵/۶۱	۰/۸۴	۵/۶۱	۰/۸۱	-۰/۰۰۶	-۰/۰۷۷	۰/۹۳۸
پایبندی به مذهب	۴/۴۵	۱/۵۶	۴/۹۰	۱/۱۴	-۰/۴۵	-۳/۳۲۶	۰/۰۰۱
عشق و علاقه دو جانبه	۵/۶۰	۰/۷۸	۵/۶۴	۰/۸۶	-۰/۰۳۹	-۰/۴۷۹	۰/۶۳۲
درک و تفاهم متقابل	۵/۵۴	۰/۷۶	۵/۵۲	۰/۸۳	۰/۱۹	۰/۲۳۹	۰/۸۱۱
باهوش بودن	۵/۱۶	۰/۹۲	۴/۸۸	۱/۱۰	۰/۲۷	۲/۷۲	۰/۰۰۷
بانجابت و باایمان بودن	۵/۴۶	۰/۹۴	۵/۲۸	۰/۹۶	۰/۱۷	۱/۸۴	۰/۰۶۶
سالم، شاداب و قوی بودن	۵/۳۵	۰/۸۱	۵/۳۳	۰/۷۹	۰/۲۳	۰/۲۹۳	۰/۷۶۹
اجتماعی و معاشرتی بودن	۵/۳۴	۰/۸۹	۵/۱۷	۰/۹۴	۰/۱۶	۱/۷۷	۰/۰۷۷
پاکدامنی	۵/۶۰	۰/۸۳	۵/۱۸	۱/۰۵	۰/۴۱	۴/۱۹۶	۰/۰۰۰
ساختمان بدن مناسب	۵/۰۵	۱/۰۹	۴/۷۵	۱/۱۷	۰/۳۰	۲/۶۵	۰/۰۰۸
صداقت در گفتار و رفتار	۵/۷۱	۰/۶۱	۵/۶۹	۰/۵۸	۰/۲۱	۰/۳۵۶	۰/۷۲۲
داشتن اعتماد به نفس	۵/۳۲	۰/۸۷	۵/۱۳	۰/۹۵	۰/۱۸	۲/۰۶۳	۰/۰۴
رشد فکری و عاطفی	۵/۴۷	۰/۷۵	۵/۳۱	۰/۹۴	۰/۱۵	۱/۸۱۶	۰/۰۷۰
تشابه علایق و طرز فکر	۵/۲۶	۰/۹۶	۵/۱۹	۱/۱۰	۰/۷۱	۰/۶۸۸	۰/۴۹۲

بخش دوم: دسته‌بندی معیارهای همسرگزینی

از آن‌جا که براساس تحقیقات انجام شده معیارهای همسرگزینی بین مردان و زنان دارای تفاوت‌ها و شباهت‌هایی هستند، برای بررسی بهتر این تفاوت‌ها و شباهت‌ها و همچنین برای تفکیک و مقایسه بهتر چگونگی انتخاب معیارها بین مردان و زنان، مؤلفه‌های اصلی و عمده معیارهای همسرگزینی در میان مردان و زنان به‌طور جداگانه شناسایی گردید. به‌عبارت دیگر، برای مردان و زنان آزمون جداگانه‌ای گرفته شده تا تفاوت‌ها و شباهت‌های انتخاب معیارها در بین آن‌ها مشخص گردد.

الف - مؤلفه‌های عمده‌ی همسرگزینی مردان

طبق جدول شماره ۲، آزمون‌های کا-ام-او^۱ و بارتلت^۲ نشان‌دهنده مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی هستند. چرا که سطح معنی‌داری آزمون بارتلت از ۰/۰۵ کمتر و مقدار کا-ام-او نیز به اندازه‌ی ۰/۷۳۳ و قابل قبول است. براساس یافته‌های تحقیق، عدد اشتراک ۲۰ گویه به کار گرفته شده در این پژوهش بالاتر از ۰/۵ می‌باشد که برای انجام تحلیل عاملی مناسب هستند.

جدول شماره ۲:

آزمون‌های تناسب داده‌ها برای تحلیل عاملی معیارهای همسرگزینی مردان

۰/۷۷۳	آزمون کا-ام-او	
۱۲۹۰/۹۰۵	کای اسکوئر	آزمون بارتلت
۱۹۰	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	

بر اساس جدول شماره ۳، با محاسبه ماتریس درونی عوامل، مشخص شد که شش عامل، دارای مقادیر ویژه بالاتر از ۱ هستند که توانسته‌اند ۶۲/۸ درصد از واریانس کل متغیرها را تبیین کنند و بنابراین، نشان‌دهنده‌ی روایی سؤالات نیز هستند.

¹ Kaiser-Meyer-Olkin

² Bartlett's Test

جدول شماره ۳: شاخص‌های آماری اولیه معیارهای همسرگزینی مردان

مؤلفه	مقادیر ویژه ابتدایی	واریانس	واریانس تجمعی
۱	۴/۷۵۸	۲۳/۹۲۳	۲۳/۹۲۳
۲	۲/۳۳۸	۱۱/۶۸۹	۳۵/۶۱۲
۳	۱/۶۸۳	۸/۴۱۷	۴۴/۰۲۹
۴	۱/۵۳۱	۷/۶۵۶	۶۱/۶۸۵
۵	۱/۱۶۲	۵/۸۱۰	۵۷/۴۹۵
۶	۱/۰۶۱	۵/۳۰۵	۶۲/۸۰۰

جدول شماره ۴، ماتریس مؤلفه‌های اصلی است و بارهای عاملی^۳ متغیرها را بعد از چرخش (با روش واریماکس) نشان می‌دهد. با مقایسه‌ی متغیرهای مربوط به هر عامل می‌توان وجوه مشترکی را بین این متغیرها به دست آورد. این وجوه مشترک بر اساس بیش‌ترین میزان همبستگی بین گویه‌های درون هر بعد با یکدیگر و کم‌ترین میزان همبستگی میان ابعاد مختلف به دست آمده است. در این‌جا میزان همبستگی درون‌گروهی هر کدام از ابعاد حاصل از تحلیل مؤلفه‌های اصلی بیش از ۰/۵ در نظر گرفته شده و میزان همبستگی کمتر از این مقدار حذف شده است.

جدول شماره ۴: ماتریس معیارهای همسرگزینی مردان به روش واریماکس

معیارهای همسرگزینی	۱	۲	۳	۴	۵	۶
اعتماد به نفس	۰/۸۴۵					
رشد فکری	۰/۸۰۵					
باهوش بودن	۰/۷۳۸					
اجتماعی بودن	۰/۶۰۱					
تشابه فکری	۰/۵۶۰					
نجات و ایمان		۰/۸۵۲				
پاکدامنی		۰/۷۰۴				
پایبندی به مذهب		۰/۶۸۲				
زیبایی و تیپ			۰/۷۵۲			
سالم بودن			۰/۶۳۱			
ساختمان بدن			۰/۶۲۸			
عشق دوجانبه				۰/۷۴۷		

۲. بارهای عاملی، ضریب همبستگی متغیرها و عوامل هستند.

		۰/۶۹۳			درک متقابل
		۰/۶۶۲			صداقت
		۰/۸۴۶			داشتن شغل
		۰/۶۳۴			داشتن ثروت
		۰/۵۷۴			داشتن تحصیلات
۰/۷۸۷					اصالت خانوادگی
۰/۶۰۵					اخلاق نیکو
۰/۵۱۸					پایبندی به خانواده

برای نام‌گذاری این شش عامل به‌دست آمده از طریق تحلیل مؤلفه‌های اصلی، به‌وجه غالب در آن‌ها استناد شده است. به‌طوری‌که معیارهای اعتماد به‌نفس، رشد فکری، باهوش بودن، اجتماعی بودن و تشابه فکری که در عامل اول بارگذاری شده‌اند، با توجه به‌مرتبط بودن با شخصیت افراد تحت‌عنوان «ویژگی‌های شخصیتی» نام‌گذاری شده‌اند. معیارهای نجابت و ایمان، پاکدامنی و پایبندی به مذهب در عامل دوم جای گرفته‌اند و با توجه به‌غالب بودن عنصر مذهب عنوان «ویژگی‌های مذهبی» به آنها داده شده است. معیارهای زیبایی و تیپ، سالم بودن و ساختمان بدن متعلق به عامل سوم می‌باشند و با توجه به ارتباط آن‌ها با ویژگی‌های جسمانی افراد، عنوان «جذابیت‌های جسمانی» برای آن انتخاب شده است. معیارهای عشق دوجانبه، درک متقابل و صداقت در عامل چهارم بارگذاری شده‌اند و با توجه به برجسته بودن مفهوم و ویژگی همدلی و صمیمیت موجود در این معیارها به نام «همدلی» نامیده شده‌اند. معیارهای داشتن شغل، داشتن ثروت و داشتن تحصیلات در عامل پنجم قرار گرفته‌اند و با توجه به‌غالب بودن خصلت اقتصادی - اجتماعی «ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی» را برگزیده شده است. معیارهای اصالت خانوادگی، اخلاق نیکو و پایبندی به خانواده در عامل ششم قرار گرفته‌اند و با توجه به این‌که این سه معیار مرتبط با خانواده است «ویژگی‌های خانوادگی» به کار برده شده است. آیا شش عامل به‌دست آمده در مرحله پیشین قابل دسته‌بندی به‌عامل‌های عمده‌ی دیگری هستند یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال تحلیل عاملی بین این شش بعد نیز انجام گردید. اطلاعات حاصله از آزمون‌های کا-ام-او و بارتلت در جدول شماره ۵ نشان می‌دهند که داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند. سطح معنی‌داری آزمون بارتلت از ۰/۰۵ کمتر هستند و مقدار کایزمایر نیز به اندازه‌ی ۰/۶۷۳ و قابل قبول است.

جدول شماره ۵: آزمون‌های تناسب داده‌ها برای تحلیل عاملی معیارهای شش‌گانه مردان

آزمون کا-ام-او		۰/۶۷۳
آزمون بارتلت	کای اسکوتر	۱۸۸/۴۹۵
	درجه آزادی	۱۵
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰

ماتریس درونی عوامل، در جدول شماره ۶ نشان می‌دهد عامل‌های شش‌گانه قابل تقلیل به دو عامل هستند. این دو عامل دارای مقادیر ویژه بالاتر از ۱ هستند و می‌توانند ۵۷/۸ درصد از واریانس کل متغیرها را تبیین کنند^۴ و چرخش عامل‌های شش‌گانه به روش واریماکس نیز تقلیل معیارها در دو عامل را تأیید می‌کند.

جدول شماره ۶: ماتریس معیارهای شش‌گانه مردان به روش واریماکس

معیارهای همسرگزینی	۱	۲
ویژگی‌های همدلانه	۰/۷۳۵	
ویژگی‌های خانوادگی	۰/۷۳۰	
ویژگی‌های مذهبی	۰/۵۶۲	
ویژگی‌های جسمانی		۰/۷۹۶
ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی		۰/۷۷۵
ویژگی‌های شخصیتی		۰/۵۹۳

نتایج حاصل از تحلیل عاملی معیارهای شش‌گانه همسرگزینی به استخراج دو عامل انجامید. ویژگی‌های همدلانه، خانوادگی و مذهبی متعلق به عامل اول می‌باشند و از آن‌جا که ویژگی‌های درون این عامل به ویژگی‌های ضروری و لازم برای ازدواج اشاره دارد که در هر زمان و مکانی در جامعه ایرانی مهم تلقی می‌شود، تحت‌عنوان «معیارهای درونی» نامیده شده‌اند. ویژگی‌های جسمانی، اقتصادی - اجتماعی و شخصیتی در عامل دوم بارگذاری شده‌اند. از آن‌جا که این عامل به ویژگی‌هایی اشاره دارد که شرط کافی برای هر ازدواجی است و می‌تواند در هر نسل و دوره‌ای متفاوت باشد، عنوان «معیارهای بیرونی» انتخاب شده است. با توجه به این

^۴ جدول مربوط به شاخص‌های آماری اولیه (مقادیر ویژه ابتدایی، واریانس و واریانس جمعی) معیارهای شش‌گانه مردان به دلیل رعایت اختصار حذف شده است.

یافته‌ها می‌توان معیارهای همسرگزینی در نزد مردان را به دو دسته «معیارهای درونی و بیرونی» تقسیم کرد.

ب- مؤلفه‌های عمده‌ی همسرگزینی زنان:

اطلاعات جدول زیر نشان می‌دهد که داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند، چرا که سطح معنی‌داری آزمون بارتلت از ۰/۰۵ کمتر و مقدار کایزمایر نیز به اندازه‌ی ۰/۸۱۱ و قابل قبول است.

جدول شماره ۷: آزمون های تناسب داده‌ها برای تحلیل عاملی معیارهای همسرگزینی زنان

آزمون کا-ام-او		۰/۸۱۱
کای اسکوتر	۱۲۹۵/۸۵۲	
درجه آزادی	۱۹۰	
سطح معنی داری	۰/۰۰۰	

در جدول شماره ۸، با محاسبه ماتریس درونی عوامل، مشخص شد که شش عامل، دارای مقادیر ویژه بالاتر از ۱ هستند که توانسته‌اند ۶۸/۲۳۵ درصد از واریانس کل متغیرها را تبیین کنند.

جدول شماره ۸: شاخص‌های آماری اولیه معیارهای همسرگزینی زنان

مؤلفه	مقادیر ویژه ابتدایی	واریانس	واریانس تجمعی
۱	۶/۲۳۰	۳۱/۱۵۲	۳۱/۱۵۲
۲	۲/۰۲۷	۱۰/۱۲۶	۴۱/۲۸۹
۳	۱/۷۰۲	۸/۵۱۲	۴۹/۸۰۰
۴	۱/۵۱۶	۷/۵۷۹	۵۷/۳۷۹
۵	۱/۱۴۱	۵/۷۰۳	۶۳/۰۸۲
۶	۱/۰۳۱	۵/۱۵۳	۶۸/۲۳۵

مطابق با اطلاعات جدول شماره ۹، گویه‌های مرتبط با معیارهای همسرگزینی زنان اگرچه بر روی شش عامل بار شده‌اند، در مقایسه با معیارهای همسرگزینی مردان دارای ویژگی‌های مشترک یا متفاوتی هستند. بعضی از گویه‌ها که در بین مردان در یک عامل قرار گرفته‌اند در بین زنان روی دو عامل بار شده‌اند و برخی گویه‌ها نیز میزان همبستگی کمتر از ۰/۵ دارند. با این حال، بارگذاری عامل‌های همسرگزینی از دیدگاه زنان نکات قابل توجه‌ای دارد. در عامل اول، معیارهای سالم بودن، اعتماد به نفس، اجتماعی بودن، ساختمان بدن، رشد فکری و

داشتن ثروت قرار گرفته‌اند که دو ویژگی آخر دارای همبستگی کمتر از ۰/۵ هستند و در نام‌گذاری عامل مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. این عامل از تلفیق دو بعد جسمانی و شخصیتی به‌دست آمده و «ویژگی‌های جسمانی - شخصیتی» نامیده شده است. به عبارت دیگر، ویژگی‌های جسمانی و شخصیتی که در بین مردان در دو عامل مجزا قرار گرفته‌اند، در بین زنان تلفیق شده و با هم در یک عامل آورده شده‌اند. با این حال، تمام گویه‌های این دو عامل در یک عامل قرار نگرفته و در عامل‌های بعدی نیز وجود دارند. معیارهای داشتن تحصیلات، زیبایی و تیپ، باهوش بودن و تشابه فکری در عامل دوم جای گرفته‌اند که دو معیار آخر همبستگی کمتر از ۰/۵ دارند و کنار گذاشته شدند. با توجه به وجود معیارهای اجتماعی و جسمانی، به این عامل عنوان «ویژگی‌های اجتماعی- جسمانی» داده شده است. برخلاف معیارهای همسرگزینی مردان که این دو عامل به‌صورت جداگانه بارگذاری شده‌اند، در بین زنان ویژگی جسمانی در دو عامل اول و دوم تقسیم شده و ویژگی اجتماعی نیز جدا از ویژگی اقتصادی قرار گرفته است.

جدول شماره ۹: ماتریس معیارهای همسرگزینی زنان به روش واریماکس

معیارهای همسرگزینی	۱	۲	۳	۴	۵	۶
سالم بودن	۰/۷۸۹					
اعتماد به نفس	۰/۷۵۳					
اجتماعی بودن	۰/۷۱۹					
ساختمان بدن	۰/۶۰۲					
رشد فکری	۰/۴۹۰					
داشتن ثروت	۰/۴۴۹					
داشتن تحصیلات		۰/۷۹۱				
زیبایی و تیپ		۰/۷۰۳				
باهوش بودن		۰/۴۷۲				
تشابه فکری		۰/۴۵۵				
پایبندی به مذهب			۰/۸۳۱			
نجات و ایمان			۰/۷۹۱			
اخلاق نیکو			۰/۵۸۰			
پاکدامنی			۰/۵۶۷			
عشق دوجانبه				۰/۸۵۶		
درک متقابل					۰/۸۲۹	

	۰/۷۱۹				صداقت
	۰/۵۰۲				اصالت خانوادگی
۰/۷۹۳					داشتن شغل
۰/۶۰۲					پایبندی به خانواده

در عامل سوم، معیارهای پایبندی به مذهب، نجابت و ایمان، اخلاق نیکو و پاکدامنی جای گرفته‌اند که با تفوق عامل مذهب «ویژگی‌های مذهبی» نامیده شده‌اند. در عامل چهارم، معیارهای عشق دوجانبه و درک متقابل قرار گرفته‌اند که با توجه به عامل عشق و همدلی عنوان «ویژگی‌های همدلانه» انتخاب شده است. در عامل سوم و چهارم بین زنان و مردان اشتراک وجود دارد و ویژگی‌های مذهبی و همدلانه برای هر دوی آنها از اهمیت برخوردار است. معیارهای صداقت و اصالت خانوادگی متعلق به عامل پنجم می‌باشند که با توجه به وجود عامل خانواده «ویژگی‌های خانوادگی» را به کار برده‌ایم. در این عامل، به جز معیار اخلاق نیکو که در زنان با عامل مذهبی ادغام شده، سایر معیارها به مانند مردان بوده است. در عامل ششم نیز معیارهای داشتن شغل و پایبندی به خانواده جای گرفته‌اند که وجود رویکرد اقتصادی در این معیارها موجب شده تا عامل ششم را «ویژگی‌های اقتصادی» بنامیم. معیار اقتصادی در بین زنان به عنوان یک ویژگی مستقل قابل تشخیص است، در حالی که در بین مردان به همراه عامل اجتماعی و تحت عنوان ویژگی اجتماعی-اقتصادی قرار گرفته بود.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

برگزیدن همسر و ازدواج یکی از مهم‌ترین تصمیم‌ها در زندگی هر فردی است که اگر به شناخت مناسب و مطابق با معیارهای مورد نظر انجام گیرد، می‌تواند نوید یک زندگی پایدار را برای زوجین داشته باشد. در مقابل، تغییرات رخ داده در سطح جامعه و گسترش انتخاب فردی به فرایندهای همسرگزینی نیز رسوخ کرده و انتخابی شدن آن را باعث شده است. به طوری که نقشی که افراد در انتخاب همسر خود دارند، بسیار بیشتر از گذشته شده و عوامل دیگر مثل والدین، خویشاوندان و ... نفوذ سابق را ندارند. با این حال، مردان و زنان معیارهای مشابهی برای همسرگزینی ندارند و این معیارها تحت تأثیر جنسیت افراد و ارزش‌های جامعه دارای شباهت یا تفاوت است. ترکیب این عامل و ارزش‌های موجود در جامعه معیارهای مهم و پرکاربرد در امر همسرگزینی را شکل می‌دهند. در این پژوهش سعی شده است تا معیارهای

همسرگزینی از دیدگاه افراد ازدواج کرده مورد بررسی قرار گیرد تا دسته‌بندی مناسبی از این معیارها با توجه به مرد یا زن بودن و حتی ارزش‌های اجتماعی و گروهی جامعه به دست آید. نتایج حاصل از آزمون تی مستقل نشان می‌دهد که بین مردان و زنان از لحاظ گویه‌های داشتن شغل، زیبایی و تیپ مناسب، داشتن ثروت، پایبندی به مذهب، باهوش بودن، پاکدامنی، ساختمان بدن مناسب و داشتن اعتماد به نفس تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به طوری که زنان بر شغل و ثروت و مردان بر زیبایی و تیپ مناسب، پایبندی به مذهب، باهوش بودن، پاکدامنی، ساختمان بدن مناسب و داشتن اعتماد به نفس تأکید دارند. مقایسه نتایج حاصل از بخش تی تست مستقل درباره تفاوت در معیارهای همسرگزینی با پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که تفاوت در اولویت ویژگی‌های جسمانی از نظر مردان با پژوهش مصلی‌نژاد و کارگر (۱۳۸۵)، عباس‌زاده و دیگران (۱۳۸۷) و رجیبی و دیگران (۱۳۹۰) و اولویت ویژگی‌های مالی و مادی از نظر زنان با پژوهش عباس‌زاده و دیگران (۱۳۸۷) و رجیبی و دیگران (۱۳۹۰) برای انتخاب همسر مطابقت دارد. علاوه بر این، مطابق با آرای تکامل‌گرایانی مانند باس (۱۹۹۴)، باس و اسمیت (۱۹۹۳)، خالد (۲۰۰۵)، کارول (۲۰۱۱) و کارول و دیگران (۲۰۱۲) مردان به ویژگی‌های جسمانی زنان توجه کرده و زنان بر نقش حمایتی مردان که از طریق ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی حاصل می‌شود، تأکید دارند.

استراتژی تحلیل عاملی برای یافتن مولفه‌های اصلی معیارهای ۲۰ گانه‌ی همسرگزینی نشان می‌دهد که این معیارها در مورد مردان بر روی شش عامل «ویژگی‌های شخصیتی»، «ویژگی‌های مذهبی»، «ویژگی‌های جسمانی»، «ویژگی‌های همدلانه»، «ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی» و «ویژگی‌های خانوادگی» بارگذاری شده‌اند که با تقلیل دوباره آن‌ها، ویژگی‌های مورد نظر از دیدگاه مردان در دو دسته «درونی» و «بیرونی» جای می‌گیرد.

دسته‌بندی معیارهای همسرگزینی در بین زنان نشان می‌دهد که این معیارها در شش عامل «ویژگی‌های جسمانی - شخصیتی»، «ویژگی‌های اجتماعی - جسمانی»، «ویژگی‌های مذهبی»، «ویژگی‌های همدلانه»، «ویژگی‌های خانوادگی» و «ویژگی‌های اقتصادی» قابل نام‌گذاری هستند؛ اما، تقسیم‌بندی معیارهای همسرگزینی زنان در دو دسته «درونی» و «بیرونی» به دلیل تداخل و ترکیب معیارها حاصل نگردید. با این حال، بارگذاری عامل‌ها در دیدگاه زنان به گونه‌ای است که ترکیب عامل‌ها مبتنی بر دسته درونی و بیرونی است.

وجود اشتراک بین مردان و زنان در توجه به معیارهای درونی برای انتخاب همسر نشان‌دهنده‌ی اهمیت فراگیر آن در این زمینه است. به طوری که این معیارها با توجه به

تفاوت‌های زیستی، اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی افراد با یکدیگر مورد توجه و استناد قرار می‌گیرند و ارزش‌های اجتماعی همواره از این معیارها حمایت می‌کنند. در مقابل، معیارهای بیرونی تحت تأثیر شرایط مختلف زمانی و مکانی و ارزش‌های گروهی در درون جامعه تغییر می‌یابند.

با این وجود، تأثیری که جنسیت می‌تواند بر انتخاب معیارهای بیرونی داشته باشد، غیرقابل انکار است. قدرت مردان در جامعه پدرسالارانه‌ی ایرانی شرایطی را فراهم آورده که در آن مردان هم تعیین‌کننده و هم انتخاب‌کننده معیارهای همسرگزینی باشند؛ چرا که قدرت اجتماعی - اقتصادی و حتی فرهنگی جامعه در دست مردان است. مردان از توانایی و فرصت انتخاب کردن برخوردارند؛ در حالی که زنان در انتظار انتخاب شدن از سوی مردان برای ازدواج هستند و مجال چندانی برای کنش در زمینه تعیین ملاک‌های بیرونی انتخاب همسر ندارند و بیشتر ملاک‌های این دسته از قدرت مردان در تصمیم‌گیری ناشی می‌شود. درواقع، جنسیتی شدن ازدواج و معیارهای همسرگزینی سبب شده است تا تفاوت‌های موجود بین زن و مرد در امر انتخاب همسر وجود داشته باشد. با وجود تغییراتی که در سطح جامعه رخ داده و مشارکت بیشتر زنان در عرصه‌های اجتماعی را در پی داشته است، اما هنوز هم مسئله ازدواج برای زنان امر مهم‌تری تلقی می‌شود که عامل انتخاب شدن زن از طرف مرد نیز در این مورد بی‌تأثیر نیست.

بررسی نتایج مربوط به معیار «پایبندی به امور خانه و خانواده» وجود تفاوت در نگرش زنان و مردان را به‌درستی نشان می‌دهد. قرار گرفتن این معیار در تحلیل عاملی مردان در کنار معیارهای اصالت خانوادگی و اخلاق نیکو به لزوم داشتن توانایی برای اداره امور خانه و وفاداری به همسر به‌وسیله زنان اشاره دارد. در حالی که این معیار در بین زنان در ویژگی‌های اقتصادی بارگذاری شده است که نشان می‌دهد از نظر زنان وظیفه اصلی مرد در قبال همسر و خانواده، تأمین نیازهای مالی و مادی است.

به عبارت دیگر، زنان نیز به مانند مردان در معیارهای خود برای همسرگزینی به معیارهای درونی (ویژگی‌های همدلانه، خانوداگی و مذهبی) تأکید دارند، اما در زمینه معیارهای بیرونی (ویژگی‌های جسمانی، اجتماعی - اقتصادی و شخصیتی) توجه اصلی زنان بیشتر روی معیارهای اقتصادی است. عدم تأکید زنان بر معیارهای بیرونی را می‌توان از آن‌جا دانست که از مشارکت و حضور فعال زنان و استقلال در تصمیم‌گیری برای خود زمان زیادی نمی‌گذرد و هنوز هم بسیاری از زنان تحت تأثیر دیدگاه‌ها و عقاید سنتی و عرفی درباره خود قرار دارند. درواقع،

نگرش عمومی نسبت به یک زن از هر طبقه و با هر مهارت و توانایی‌ای، زیبا بودن و توانایی تولیدمثل و داشتن ویژگی‌های لازم برای یک همسر خوب است؛ تا از طرف مردان به عنوان همسر انتخاب شود. این عوامل باعث شده است تا زنان نتوانند به خوبی مردان معیارهای مشخصی را برای داشتن همسر انتخاب کنند. با این حال، باید به این نکته اشاره کرد که اهمیت الگوهای مدرن در سبک زندگی افراد به وجود آورده، در بالا بودن اهمیت ویژگی جسمانی به عنوان یک معیار همسرگزینی برای زنان بی‌تأثیر نبوده است.

تفاوت‌های موجود در معیارهای همسرگزینی بین مردان و زنان ناشی از فرهنگ و شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه است. زنان به دلیل امکان پایین در تعیین معیارهای همسرگزینی به ویژگی‌های اجتماعی و به ویژه اقتصادی توجه دارند که نشان‌دهنده اهمیت قدرت حمایتی مردان برای زنان است. در حالی که مردان به عنوان انتخاب‌کنندگان فعال در زمینه معیارهای همسرگزینی به ویژگی‌های جسمانی و شخصیتی به عنوان تصویری از یک همسر مطلوب تأکید می‌کنند.



منابع

- باومن، زیگمونت (۱۳۹۲). *عشق سیال: در باب ناپایداری پیوندهای انسانی*. (چاپ سوم). ترجمه عرفان ثابتی. تهران: ققنوس. (سال اصلی اثر چاپ شده ۲۰۰۳).
- جبرئیلی، هاشم؛ زاده محمدی، علی و حیدری، محمود (۱۳۹۲). تفاوت ملاک‌های انتخاب همسر بین دو جنس. *خانواده پژوهی*، ۹ (۳۴)، ۱۷۱-۱۵۵.
- حسینی، میمنت؛ محمدی، مریم؛ یغمایی، فرید و علوی مجد، حمید (۱۳۸۶). بررسی معیارهای انتخاب همسر زوجین در شرف ازدواج شهر تهران. *مجله پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی*، ۱۲ (۱۲)، ۵۱۲-۵۰۵.
- رجبی، غلام رضا؛ ابراهیمی نویندگانی، مریم و خجسته مهر، رضا (۱۳۹۰). مقایسه و رتبه بندی ترجیحات همسرگزینی در بین دانشجویان دختر و پسر و دانشجویان کرد، عرب و بختیاری دانشگاه شهید چمران اهواز. *دو فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد*، ۳ (۴)، ۷۴-۶۱.
- رشیدی، غلامرضا (۱۳۹۱). بررسی اولویت معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه دانشجویان پسر و دختر دانشگاه رازی. *فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۲ (۲)، ۱۲۶-۱۰۳.
- زارع، بیژن و اصل روستا، ابوالفضل (۱۳۸۹). بررسی ارزش‌های اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان درباره معیارهای انتخاب همسر در شهر هشتگرد. *مسائل اجتماعی ایران*، ۱ (۱)، ۱۰۱-۶۷.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. (چاپ دوم)، تهران: سروش.
- سالاری، اسماعیل؛ معین، لادن؛ سهامی، سوسن و حقیقی، حمید (۱۳۹۲). بررسی رابطه فرهنگ مردسالاری، همسان همسری، با تعارضات زناشویی در بین دبیران و پرستاران زن متأهل. *زن و مطالعات خانواده*، ۵ (۱۹)، ۱۱۴-۹۵.
- عباس‌زاده، محمد؛ بهی، مهدی؛ دربندی، محمدعلی؛ یوسفی، محمود و جمال‌زاده، فیصل (۱۳۸۹). بررسی معیارهای انتخاب همسر در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی زابل در سال ۱۳۸۷. *فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی زابل (رستمینه)*، ۲ (۳)، ۸۸-۸۰.
- فرودستان، مهرنوش؛ عریضی، حمیدرضا و نوری، ابوالقاسم (۱۳۸۷). معیار انتخاب سطح تحصیلات همسر و مقایسه آن در دانشجویان دختر و پسر. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۹ (۳۳)، ۲۲۷-۲۱۷.
- کوزه‌گران، مریم (۱۳۸۷). *صمیمیت: سطوح و ابعاد صمیمیت و چگونگی راهیابی به آن*. تهران: قطره.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن. (۱۳۹۰).

- مصلی‌نژاد، لیلا و محمد حسن، کارگر (۱۳۸۵). بررسی معیارهای همسرگزینی از دیدگاه دو گروه دانشجویان دختر و پسر دانشکده علوم پزشکی جهرم ۱۳۸۰. طب و ترکیه، ۱۴ (۱-۲)، ۳۷-۳۲.
- مهرابی‌زاده هنرمند؛ مهناز و داودی، ایران (۱۳۸۵). بررسی ملاک‌های همسرگزینی از نظر دانشجویان مجرد دانشگاه شهید چمران اهواز. *مجله پژوهش‌های تربیتی و روانشناختی*، ۲ (۲)، ۴۴-۲۳.
- نصیرزاده، راضیه؛ رسول‌زاده طباطبایی، کاظم (۱۳۸۸). معیارهای فیزیکی انتخاب همسر در دانشجویان دانشگاه‌های تهران. *مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی*، ۱۱ (۱)، ۵۰-۴۱.
- هاشمی، سید ضیاء؛ فولادیان، مجید و فاطمی امین، زینب (۱۳۹۳). بررسی تجربی دو نظریه‌ی رقیب همسرگزینی در ایران. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۷ (۴)، ۱۸۷-۱۵۷.
- یزدخواستی، بهجت و شیری، حامد (۱۳۸۷). ارزش‌های پدرسالاری و خشونت علیه زنان. *مطالعات زنان*، ۶ (۳)، ۷۹-۵۵.
- Buss D. M. (1984) Evolutionary biology and personality psychology: toward a conception of human nature and individual differences. *American Psychologist*, 39, 1135-1147.
- Buss D. M. (1985) Human mate selection. *American Scientist*, 73, 47-51.
- Buss D. M. (1987) Sex differences in human mate selection criteria: an evolutionary perspective. In *Sociobiology and Psychology: Issues, Ideas and Application* (Edited by Crawford C., Smith M. and Krebs D.). Erlbaum, Hillsdale, N.J.
- Buss, D. M. & Barnes, M. (1986). Preferences in human mate selection. *Journal of Personality and Social Psychology*, 50, 559-570.
- Buss, D. M. (1989). Sex differences in human mate preferences: Evolutionary hypotheses tested in 37 cultures. *Behavioral and Brain Sciences*, 12, 1-49.
- Buss, D. M., Abbott, M., Angleitner, A., Asherian, A., Biaggio, A., Blanco-Villasenor, A., et al. (1990). International preferences in selecting mates: A study of 37 cultures. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 21, 5-47.
- Buss, D. M., & Schmitt, D. P. (1993). Sexual strategies theory: An evolutionary perspective on human mating. *Psychological Review*, 100, 204-232.
- Buss, D. M. (1994). The strategies of human mating. *American Scientist*, 82, 238-249.
- Buss, D.M (1994). *The evolution of desire*. New York: Basic Books.

- Buss, D. M., and Kenrick, D. T. (1998). Evolutionary social psychology. In D. T. Gilbert, S. T. Fiske, and G. Lindzey (Eds.), *The Handbook of Social Psychology* (4th ed., Vol. 2, pp. 982-1026). New York: McGraw-Hill.
- Buss, D. M., Shackelford, T. K., Kirkpatrick, L. A., & Larsen, R. J. (2001). A half century of American mate preferences: The cultural evolution of values. *Journal of Marriage and the Family*, 63 491–503.
- Buss, D. M. (2003). *The evolution of desire* (rev. ed.). New York: Basic Books.
- Campbell, Anne (2002). *The evolutionary psychology of women*. New York, Oxford University Press.
- Carroll, Joseph (2011). *Reading human nature: Literary Darwinism in theory and practice*. (pp.160). New York: SUNY Press.
- Carroll, J. Gottschall, J. Johnson, John A. Kruger, D. J. (2012). Graphing Jane Austen: *The evolutionary basis of literary meaning*. (pp.42). Palgrave Macmillan.
- Chen, C.-Y. (2005). Picking and Choosing: The simulation of sequential mate selection process. Paper presented at the Population Association of American 2006, *Annual Meeting, Los Angeles, California*.
- Gao, Ge. (2001). Intimacy, passion, and commitment in Chinese and US American romantic relationships. *International Journal of Intercultural Relations*, 25, 329–342.
- Gore, J. S., Cross, S. E., & Morris, M. L. (2006). Let's be friends: Relational self-construal and the development of intimacy. *Personal Relationships*, 13(1), 83-102.
- Günaydin, G. Selcuk, E. & Hazan, C. (2013). Finding the one: A process model of human mate selection. In C. Hazan & M. Campa (Eds.), *Human Bonding*. New York: Guilford.
- Hill, R. (1945). Campus Values in Mate Selection. *Journal of Home Economics*, 37, pp 554-558.
- Jamieson, L. (1998). Intimacy. (pp.1). Cambridge: Policy Press.
- Kerckhoff, A, C. & Keith E. D. (1962). Value consensus and need complementarity in mate selection. *American Sociological Review*, XXVII, 295-303.
- Khallad, Y. (2005). Mate selection in Jordan: Effects of sex, socio-economic status, and culture. *Journal of Social and Personal Relationships*, 22(2), 168-155

- Li, N. P., & Kenrick, D. T. (2006). Sex similarities and differences in preferences for short-term mates: What, whether, and why. *Journal of Personality and Social Psychology*, 90, 468–489.
- Miller, R.S., Perman, D. (2009). *Intimate relationships*, (Fifth edition), New York, McGraw – Hill.
- Reis, H. T., & Shaver, P. (1988). Intimacy as an interpersonal process. In S. Duck (Ed.), *Handbook of personal relationships* (pp. 367- 389). Chichester, England: Wiley.
- Schwarz, S., & Hasbrouck, M. (2012). Sex and age differences in mate-selection preferences. *Human Nature*, 23, (4), 447-466.
- Shaffer, R.D. & Bazzini B.G. (1997). What do you look for a prospective date? Reexamining the preferences of men and women who differ in self-monitoring propensities. *Personality and Social Psychology Bulletin*, N.23, P.605-616.
- Shoemaker, E, G. (2007). Human mate selection theory: An integrated evolutionary and social approach. *Journal of Scientific Psychology*, 35-41. www.psyencelab.com
- Sprecher, S., & Regan, P. C. (2002). Liking some things (in some people) more than others: Partner preferences in romantic relationships and friendships. *Journal of Social and Personal Relationships*, 19, 436-481.
- Sternberg, Robert J (1986). A triangular theory of love, *Psychological Review*, 93(2), 119-135.
- Sullivan, K.T. (2001). Understanding the Relationship between Religiosity and Marriage. *Journal of family Psychology*, 15(4), 610-626.
- Todosijevic, B., Ljubinković, S. & Arančić, A. (2003). Mate selection criteria: A trait desirability assessment study of sex differences in Serbia. *Evolutionary Psychology*, 1, 116-126.